

اسنادی از فراگیری نهضت ۱۵ خرداد ۴۲

مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در بخشی از خطبه ۲۱۵ نهج البلاغه می فرماید:
اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِي وَأَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْتَجِعُهَا
مِنْ وَدَائِعِ نِعْمِكَ عِنْدِي...

خدایا کاری کن که از چیزهای ارزشمندی که به من دادی و از تمام امانت‌هایی که به من سپردی جانم اولین چیزی باشد که از من می‌گیری. تمام تاریخ تعلقات نفسانی انسان که منشأ بدبختی‌ها و انحراف‌ها، جنگ‌ها و ستیزها، انکار حق و حقیقت و دل‌سپردگی به کجی‌ها و گمراهی‌ها و همه ردائلی که بشر با آن دست به‌گریبان بوده و هست، در این کلام حکیمانه به چالش کشیده شده است. معنای این کلام گهربار آن است که خدایا نکند قبل از جانم؛ ایمانم، انصافم، عدالتم، ادبم، شرافتم، شفقتم، عشق و ورزی‌ام به انسان‌ها، راستگویی‌ام، حق‌جویی‌ام، ظلم‌ستیزی‌ام، معنویتم، دشمن‌شناسی‌ام، بصیرتم، غیرتم، شجاعتم، عقلم و همه آن نعمت‌های خدادادی که برای یک زندگی انسانی نیاز است، را از من بگیری؛ بعد جانم را بگیری.

اگر در هر جامعه‌ای کار گزاران، نخبگان، دولتمردان، دانشمندان و مدعیان آزادی و مبارزه و اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی، بیش از هر اساسنامه، بیانیه، متن، گفت‌مان، مرامنامه،





حزب، گروه و جریان، این کلام مولا را مبنای گفتار و رفتار خود قرار می‌دادند، بی‌تردید در سنت خدمتگزاری به خلق خدا به منبع سرشاری از انرژی و قدرت و انگیزه دسترسی پیدا می‌کردند که نسبت به همه سرچشمه‌های قدرت، سالم‌تر و منشأ اثری سازنده‌تر بود.

هیچ سیاستمدار پاکی نمی‌تواند بدون این انگیزه، جامعه خود را زنده، مستقل، آزاد و آباد سازد. امروزه دیواری که میان دولتمردان و سیاستمداران با مردم کشیده شده است و توده‌های مردم را از نعمت خدمت یک نظام انقلابی و اسلامی تا حدودی محروم کرده است، غفلت از همین انگیزه‌هاست. آنچه نهضت پانزده خرداد سال ۴۲ و رهبر آن را محبوب قلوب میلیون‌ها انسان در ایران و جهان ساخت و باعث شد که دوست و دشمن، موافق و مخالف در مقابل عظمت نهضت ۱۵ خرداد سر تعظیم فرود آورد و در درون حتی دربار رژیم سفاک پهلوی ولوله اندازد، انگیزه خلوص رهبری نهضت و مردم پاکبخته‌ای بود که خودجوش و بدون اعلامیه یا شبنامه گروه و حزب خاصی، فقط با شعار «یا مرگ، یا خمینی» به صحنه آمدند و از رهبری که مظهر چنین انگیزه‌های انسانی‌ای بود حمایت کردند.

روزنامه‌اطلاعات در ۱۴ خرداد سال ۵۸ خاطره‌ای از یکی از کارگزاران رژیم پهلوی نقل می‌کند که نشان می‌دهد چگونه از یک طرف خلوص نهضت ۱۵ خرداد ۴۲ و رهبری آن آرامش دربار و کانون سازماندهی رژیم شاه را با آن همه امکانات و حمایت بیگانگان، به هم می‌ریزد. و از طرف دیگر یک حکیمی چون امام خمینی را بدون داشتن کمترین امکانات مادی و پشتیبانی حزبی و گروهی محبوب قلب‌ها می‌کند.

بعد از ظهر روز ۱۶ خردادماه ۴۲ بود که عده‌ای از رجال معروف از جمله: سردار فاخر حکمت، محمد سروری، محمد علی وارسته، عبدالله انتظام، جعفر شریف‌امامی، سپهبد مرتضی یزدان‌پناه و علی اصغر حکمت به دعوت تلفنی حسین علاء وزیر دربار وقت در وزارت دربار گرد هم آمدند. بدو علاء اظهار نمود دو روز است مملکت دچار هرج و مرج و انقلاب شده است و در کلیه شهرها ناامنی ایجاد شده و مردم تظاهراتی علیه دولت و به نفع روحانیت می‌نمایند. زد و خوردهای شدیدی هم بین مردم و نیروی انتظامی رخ داده است که متأسفانه عده‌ای کشته و عده‌ای مجروح شده‌اند و این وضع نمی‌تواند ادامه پیدا نماید. امروز از آقایان دعوت کرده‌ام که نظرات شما را در حال قدیمی مملکت... دریافت نموده و بررسی نمایم که برای آرامش مردم چه باید کرد؟...

علی وارسته که وزیر دارایی دولت مصدق بود اظهار نمود در قدیم

هر موقع که مردم از روش‌ها ناراضی بودند و شکایات و اعتراضات زیاد می‌کردند و یک چنین بحرانی پیش می‌آمد دولت مستعفی می‌شد و رجالی مانند مؤتمن‌الملک و مستوفی‌الممالک مصدر کار می‌شدند و مردم آرام می‌شدند... عبدالله انتظام مدیر عامل شرکت نفت هم ضمن تأیید مطالب وارسته اظهار نمود که مقتضی نبود شاه به قم رفته در میدان قم اظهاراتی علیه روحانیت بنماید که این سخنرانی شاه موجب کدورت روحانیت شده است و این نوع کارها به نفع مملکت نمی‌باشد و لازم است ترتیبی داده شود که روحانیت دعوت شده و رفع کدورت بشود. جالب این که پس از خاتمه جلسه تیمسار یزدان‌پناه یا شریف‌امامی مطلب را به شاه منتقل کردند که اعلی‌حضرت ناچار نشسته‌اید که در منزل خودتان علیه شما گفت‌وگو می‌نمایند و دولت تعیین می‌کنند و شما اطلاعی ندارید. اعلیحضرت هم پس از اطلاع، اظهار نمودند که این رجال را باید در توالی خالی نمود و سیفون را کشید.^۱

این واقعه به تمام معنا دو گونه از شخصیت‌هایی را در روایتی که در ابتدا از مولای متقیان نقل کردیم نشان می‌دهد. شخصیت‌هایی که خداوند قبل از گرفتن جان آنها تمام دارایی‌های ارزشمند انسانی آنها را می‌گیرد و تبدیل به آدم‌هایی می‌شوند که به رغم نوکری بی‌جبر و مواجب ارباب خود در انتها به خاطر یک اظهار نظر خلاف اربابان خود باید آنها را در توالی ریخت و سیفون را کشید و شخصیتی که به دلیل جلب رضایت خداوند بدون این که حتی سخنی در جمع در دفاع از خود گفته باشد، مردم برای رهایی او به خیابان‌ها می‌ریزند و جان عزیز خود را فدای چنین انسان‌هایی می‌کنند.

نهضت ۱۵ خرداد میدان عینی و واقعی تفسیر روشن این روایت بود. در این نهضت دو روایت وجود دارد. روایت انسان‌هایی که خداوند ابتدا شرف، حق جویی، انسانیت، انصاف، عدالت، مردم‌دوستی و... آنها را قبل از گرفتن جان‌شان گرفت و در نهایت تبدیل به مرده‌هایی شدند که به زباله‌دانی تاریخ رفتند و روایت انسان‌هایی که با دست خالی و توکل به خدا برای دفاع از شرف، عدالت، انسانیت، حق و دفاع از مظلوم به صحنه آمدند و در تاریخ ماندند.

اسنادی که در ادامه می‌آید بخشی از مستندات مربوط به روایت حق‌جویان قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۴۲ است که صدای آزادی‌بخش نهضت امام خمینی را به رغم تمامی روش‌هایی که رژیم پهلوی و اربابان امریکایی، انگلیسی و صهیونیستی آن به کار بردند تا آن

۱. اطلاعات، دوشنبه ۱۴/۳/۱۳۵۸، ش ۱۵۸۷۱.





رادر حصارهای تنگ گروه‌ها، جریان‌ها و احزاب بی‌برکت داخلی تحلیل کرده و محدود کنند، به گوش ما می‌رساند. یکی از ویژگی‌های این اسناد آن است که نشان می‌دهد چگونه صدای نهضت امام خمینی در اندک زمانی نه تنها در ایران بلکه در جهان فراگیر شد.

فصلنامه پانزده خرداد

بن شکرانایان طایفای — تهران حسن ایات مسجد جده حضرت حجه الاسلام و المسلمین ایات الله الامامی
دست برکات — بین تا کنون توفیق عزت دعاگوگان بنهران برای برآوردن ری و همکاری حضور حاصل شده
اینکه ضمن اظهار تشکر و امتحان از نظام و جانب وارد بر جامعه مسلمون خصوصا بر ایات عظام حضرت اید الله —
الای خویی و اتای شی و اتای محلاتی دستبرگاتیم پیشین کرام موافقت و ششهای کامل خودمانرا از شنوات
مقدمه لایحه ایات عظام و مراجع مسلمون که برای حفظ قوانین مقدمه اسلام در تهران شرف حضور دارند اعظم بدویم
ششم ریحان ۱۳۸۳ — سازمان سازی احقر حاج میرزا سعادت صاحب مریض امامی تازی — الحاج علی
احقر حاج شیخ محمد علی تشری — احقر حاج مهد حسن پیشناری — بخوانید بدو بکران بدوید





این نشریات بشماره ۴۴۴۴۴ در تاریخ ۱۴۴۹ ر.ا از طرف جامعه
علماء شهرستان آبدان مخیره شده است

بسمه تعالی

ترکیه اسلامبول محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله
خبر تبعید آنحضرت موجب تأثر عامه شیعیان بالاخص جامعه روحانیت گردید
بسیار جای تأسف است که مرجع بزرگ و عالیقدری چون جناب عالی بجرم یسان حکم
شرع مقدس بخارج از کشور تبعید و هزاران نفر از فضلا و دانشجویانی که از محضر مبارک
آنحضرت پیشوای معظم استفاده میکردند سرگردان و ایشک ریزان باشند.

الی الله المشتکی و علیه التکلان و اصبر علی ما اصابک

ان ذلک من عزم الامور از توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا فدا انتظار
داریم مقدمین باین امر باشباه خود متوجه شوند و رفع مانع از مراجعت آنحضرت بوطن
مألوف بشوند از برادران محترم مسلمان کشور ترکیه انتظار میرود که از تجلیل و
احترام نسبت به آن قائد معظم دریغ نکنند.

صدر هاشمی - قائمی - اسلامی - دهلشی - مکی - سلطانی - سنابادی
مصدر الامور - برهانی - جمی - حجتی - سلیمانی - طرفی - هاشمی - الهامی

« خون ما رنگین تر از خون شهیدای پانزدهم خرداد نیست »

ماروجانیون همایونشهرم آواز با عموم علماء اعلام وقاطبه ملت شرافتمند و آزادی خواه و متمدن ایران با صدای بلند بدولت خائن و عمال چنانیکار وحشی او میگوتسم :
اگر با ایجاد محیط تهدید و ارباب گمان موفقیت کرده اید سخت در اشتباهید
وقاحت و بیشرمی و جسارت شما بجائی رسیده که بهراجع تقلید و مباین مذهبی ما حمله کردید ، زنان باعفت و مردان بافضیلت این مملکت جنفری مذهب را بخاک و خون کشیدید جوانان غیور پاپیمان کشور ما را بجرم حمایت از قرآن مجید هدف رگبار مسلسل تشرار دادید . گویا میخواستید کشور ما را بدست دشمنان اسلام و قرآن بسپارید آیا با این وضع دلخراش رقت یار و استبداد سیاه جبار زندگی برای ملت آزاده گواراست ؟

ما پیروی از اوامر واجب الاتباع زعیم عالیقدر شیعه حضرت آیه الله العظمی آقای خمینی وسایر مراجع عظام تا آخرین نفس پایداری و فداکاری خواهیم نمود .
منتهی نمائید که صفحه تاریخ شاهد مبارزات دینی و آزادیخواهی ملت مسلمان ایران بوده و خواهد بود و اگر احیاناً چند نفری جان و بی آبرو بدستور سوجدوشی روی خوشی به عمال خائن دولت نشان دهند بحول وقوه الهی در فرصت مناسب به حساب فرد فرد آنها رسیدگی خواهد شد . درخانه از خداوند قهار خواستاریم که روز انتقام و تشکیل دادگاه عدالت را نزدیک گرداند .

سیل ازویرانه یا رخسارگردآلودرفت زود میمالد فلک روی ستمگرا بخاک
درد بی پایان برروان پاک شهیدای ۱۵ و ۱۶ خرداد که در راه دفاع از حریم مقدس اسلام بجوار رحمت حق شافته و مرکز باعزت را برزندگی یا ذلت ترجیح دادند .

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون .
روحانیون همایونشهر





یستمابست سالروز کشتار ۱۵ خرداد

بسمه تعالی

۱۵ خرداد چه روزی بود؟! ۱۱

۱۵ خرداد روزی بود که سال آمریکاییسم برای چشمن باز شده و جهانهای اسلام و ملت مسلمان ایران گردید - روزی بود که مسئولان استخباراتگران آمریکایی و انگلیسی توانان درنده ایران با چهره حمایت از اسلام و استقلال مسلمان در خون خویش نوحه می ساختند ، روزی بود که حکومت گمناخ و جلاوه ایران حامیانی را بیرون زد - آمریکاییان را بر سر آمد - چوبهائی را بشپه و زانی را سزاراست ، روزی بود که حکومت مستعانه استخباری اسلام کرد که برای تأمین منافع ایرانیان جانان پندیده خود وقت زمان و طلا را در راه و تقواین اسلام و اسلامی را از میان بردارد .

آری حکومت براراده و پیرمه بیگانه براند اجرای افراس خود استخباراتگران توانان تر از آنی نفس و ملت مسلمان ایران را لغای بود و دندانان سرخند اسلام میباید چه جامه های مختلف خون منگه دهه از جوانان آزاده بیگانه و سلطان ایران را مزبور - روزی بدون دقان و گناور پیرمه فیهه حله میبندد و مسلمانان از مصیبت ظلم و ستم پیرما بدگام خون میکند ، روز دیگر سوسله نامورین دمی در شب عید ، در صحن مطهر حضرت مسجوره (ع) به برده طلب و در حاکمین بولی و عسلیان بنیاید و وسطا شر از زبان و گودال را در زیر بیگانه در حیان سرخود و مسجود میبازد ، روزی ، هزاران هزار مردم مسلمان را (که طبع حکومت فردی و استبدادی و برای بدست آوردن آزادی یا حورشادان) بیهانه محالقت و باطن فریب ، و ستوان ارتداد سیاه ، در قتل نام میکند و روز دیگر دانشگاه حله میبندد و دانشجویان آزاده میزند را (لایق بیعتان و دستگیری میاید) ، حکومت - روزی گروهی از ردهای سر مست و دانشمند و معانی از سرود شرف مسلمانان را با تمام آشوبگر در دانشگاههای فرسایشی از باطنهای طویل الله و با تمام محکوم میکند و روز دیگر شده که از عزیزترین و فریفتارین جوانان این کشور را با تمام قتل و کشتار جان جبین افراس و نوگر مارتگذار آمریکایی بمحاکمه لایق میبندد و زمینه را برای اعدای آنها آماده میبازد .

از طرفی فرزند دجلیلی فرمایشی دست با کف دست سرورانه فرزندان گوش فرمان توانان مسلمانان را با تکریم از دیگری فرزند و اعدا برانوشان اسلام و تائین مسلمانان صورت میبازد و فر جمع عالمی و قدرتی بیگانه حضرت آقا ، **العقلانی آقای خمینی** را نیز با افراس این اعدا تائین و جانیان فرزند مسلمانان و پیرمه محالقت ، تا روزی تائین کشتار استبداد و سوسله ، تا کز با سوسله و زاری پندیده و مستبدان آمریکایی و عسلیان) بطنه ناموسین تیر ، بیگانه و انشرف دیگر فرزند سوسله است بخود گرفت و دولایسم و فر آرمیزند و با این اصل در افراس میبازد ، وجهه انشرف حله خود را در بین مردم مسلمان دوباره بسازد و سوسله جاریه و درین و دجلیلی خود را حکومت استسلاج اسلامی قلم آید ، ولی با یاد آنکه در انشرف و نکست و از بیگانه پندیده دیگر معانی این است که درین سالهای بیگانه و دنیا حکومت فریاد توانان ایرانیان را با تمام استبداد و سوسله و زاری اعدای خود میبازد .

ملت شرافتمند ایران هوشیار و بیدار ؛ ایران فلسطین دیگری است که حکومت پندیده بود و از آن استبداد و پیرمه و استبدادی غربی با عسالت اصلاحات و دجلیلی و روی و تکلف و با اسلام مقدمه استبداد کابل آری! بحرحب کتیب صید و نوسه فر فراموش کرده دارد **بصر حله پیرما و در میاورد** ، آگاه ، با در که گذرد جز با بدشرف استبداد است ، قرآن اسلام در سر بر استرسد ، اصول مسلمین در کشتار بود (با در کشتار امریکا) میباید ، توانان مسلمین در صحن محالقت ، **و با خود بود** در برده های و دستار بودا استبداد و در حیان حضرت حسن طهارت و با اسلام با منوید ، عسلیان خود را فر فرستد تیر و سوسله بیگانه ترش و ناموس در خود را عسلیان و خود برای پندارده استبداد و بیگانه آحاد میبازد ، بگویند برای لغات اسلام بر این محالقت توانان فرآن ، برای ستم ارتداد ایران ، برای عسالت هزاران زن از عزیزان با که در سوسله های و عسلیان در بر کشتار فرزند مسلمانان دستار جزند ، بگویند برای فلج آبادی آمریکاییهای غربی و صال کشتارها و پندارده که عدا با با است بود و فرموده که مارتا که واری سزاراست ، و کمال حله طایب سر استبداد استبراد بشرکم و بشپه قسطنطنیه و بخواند عدا پوزوی آردان طایب .

چون **۱۵ خرداد** مبارک با سالروز شهادت فرزندان دین اسلام و لغات توانان را آزادی میباید مناسب است در محاسن سوگواری باقی تر از آن شود و بر غافلان آنها فرین گردد .

جزیه طعنه فر گز جانات این روز در روزهای دیگر هیات حاکم ایران و دجلیلی معالی را که بر اسلام و ملت عزیز ایران وارد آورده اند فراموش نگردد و **کاف انقام خون برادران الهیت دانه خود را** تکرار برایک نفس فیهه ، روز و با جزیه خشکی ناچیز روحانیت و مانت طایفه علم و استعمار و استبداد ، اسلام با روح پاک شهیدان راه آزادی

(جزیه طعنه فر) ۱۵ خرداد ۹۴

بسمه تعالی

میزید حضرت آیت نظام و مراجع تقلید و ارباب حضرت آیت علم لدنی آنواع و آنواع فقهای
روح نابغه که شایسته است که در این مجلس بفرموده بفرمایند

حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت
حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت
حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت
حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت

میرزا محمد باقر صاحب کرامت
حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت
حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت

میرزا محمد باقر صاحب کرامت
حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت
حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت
حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت

میرزا محمد باقر صاحب کرامت
حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت
حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر
میرزا محمد باقر صاحب کرامت





وزارت جنگ فرمانداری نخلیانی تهران و حومه

اعلامیه شماره ۵

فرمانداری نظامی تهران و حومه

بموجب اطلاع واصله چون روز جمعه ۱۷ خرداد ماه سی نفر از افراد معمم و سبیل در منزل سید آنا موسوی خلخاللی برخلاف مقررات فرمانداری نظامی اجتناب کرده بودند بوسیله مأمورین فرمانداری نظامی دستگیر و پس از بررسی بدین بیهوشیت آنان چون معلوم شد صبا حیفا نه سید آقا موسوی خلخالسی بعثت تشکیل این اجتماع قصد تحریک داشته بنا بر تصمیم اتخاذ شده بمناطق جنوب تبعیست میگردد و دو نفر از افراد معمم با اسامی سید ضیاء الدین اشترآبادی و سید حسین خندقی آبادی که در تحریکات اخیر دست داشته و در ایام جوگرافی در رشتا بر طبق دولت و قوانین اصلاحات و انتظامات ملی تحریکاتی کرده اند طبق ماده ۵ فرمانداری نظامی در توثیق باقی و بقیه پس از رسیدگی کامل آزاد میشوند.

فرمانداری نظامی تهران و حومه - سید سید نصیر



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و به نستغین

آن گشت ازل که از نور عجب الهی، ملک مسلمانان ایران ناهد، جریانات بندگی قبول بود، وجود از مقام و مقامی مفرومه، علمای قم و نجف اشرف و کربلا و مشهد مقدس و سایر بلاد پشتیبانی نمود، و شرکت داشتند و از زمانیکه دولت مابریک، با اعمال خلاف شرع و قانون نبود، لکن کثرت از طرف علمای اعلام چه مستنوی چه پوسیده، اعلامیه داده، میداد و مرجع ابرام می گردید که دولت از اعمال خلاف رویه در مملکت اسلامی سرافراز نماید، عملاً معاهده می شد که توجهی نشد، در بیستادست خود می آزد و لنگر گات آقایان علماء را حمل بر صدف و پربانی میکرد و وظیفه آقایان اعلام را اعتبار بر دستگیر تر میدود تا بالاخر، منجر بواقعه فحیه، مدرسه مقدسه فحیه گردید که در روز نهادت حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام بکده از ضلاب علوم دین را در موقعی که مشغول مزاداری بودند بدون هیچ گونه مجوزی مورد حمله قرار داد که شرح اعمال پیر حسانه آنها قابل ذکر نبوده و فم از تفریح آن فرستاد است و علماء اعلام و ملک مسلمانان با کمال متانت و صبر و شکببالی شوده و دست دعا و توسل به پیشگاه مقدس حضرت رب العزت و اولیاء دین مبین بکده شوده و مستویاً در ایام مزاداری حاضر و کشف این مطالب را از دستگاه الهی دوامدار شدت ولی دولت و دستگاه جابر، ضد انسانی آن در مقابل این همه جنایات و فطایح عظیمه بجای استقامت و پویمانی و ایجاد محیط مساعد برای حل مشکلات دست به تبلیغات و جنایات زده است که بیوجوه برای روحانیون و ملک مسلمانان ایران قابل تحمل نباشد، خاشه دست ندی بساحت علماء اعلام، مستویاً حضرتان آیات اله حضرت آقای عینی و رقم و آقای شری در مشهد و آقای محلاتی در شیراز نامت بر کلام و جسی از دعا و مابین نظام که مسلمان اینمان اسلام است دراز شوده و دست بکشت کشتار پیر حسانه بکشمند مردم مسلمانان بی دفاع زده که تاریخ آنرا بشود که، در کین سواهی از حکومت نظامان بدین اعلام بر کده شس ما قلمت سلیمان بشهیم من خطا له ملهم ولی انقلاب هم حال دون

و با تهمت و افترا عواست است ساخت مقدس روحانیت را آلوده با اعمالی ناپید که متلا و متلاً همیشه دور و میری از این اعمال بودماند و مایله نداشتند است که علماء روحانی بیک دولت خارجی اسلامی یا غیر اسلامی ارتباط داشته که در این موقع حساس داشته باشد .

بلکه علماء همیشه و در هر تاریخ بدولتهای وقت تسرب داشتند و متشاء بهتر آن تسربات همین ارتباط با مشروع و عیبانه، دول خارجی بود، است که بنا بحکم قرآن دولت اسلامی نباید دست تجاوز کارانه دول خارجی را بشمارد یا قبول اوامر و مناهی آنرا در امور مملکت اسلامی بشمارد و اگر مشندان امور دینی را کرده اند که با این اتهامات کار بدوی اساس میتوانند انشان صومی را متدوب شوده و راستی و سایر علماء اعلام را از انجام وظایف مشروعه خود که پیروی از احکام مقدسه الهیه است بازدارند و همین حال تا مدور و ما نیز منصف مقدس جعفری سلوات اله علیه بحول وقوه الهیه و مدو حضرت ولی عصر اروا عتاف و کتت ملک منصب ایران ناجان در بدین دارند در مقابل این اعمال و فطایح ناشایسته دولت (و هر که شریک بشوم در آن باشد) میدان مقاومت خواهد بود و به پیروی از انباء و اولیاء خدا از هیچگونه صواب و معاصی هر اس نداشتند و شهادت را از دست دینی خود میدانند و الهیته ملک مسلمانان و پیروان مذهب مقدس بحکم حکم حضرت ولی عصر ارواحنا فدای مرقم با خاتم از اعلام و مراجع خواهند بود .

العبد المعصوم الموسوی الیهی پهلانی علی عنه



اعلامیه حضرت آية الله العظمى آذای کابایگانی

دامت برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله وله الحمد ابتلانا بولاية عظامه، له دعوى بالاله والشكره على الآله

مصائب جبران تا پذیراین دوروزه که باعث منک احترام مشدات اسلام و مشوب شبهه گردید بر نهایت موجب تاسر و تأسف است . اقدام هشت حاکمه بتوقیف شخصیت بارزه مثل حضرت آیت الله خمینی و آیت الله قمی و سایر آیات و علمای و باطنی محترم و قتل جمع کثیری از مردم مسلمان بیگناه قلب مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را جریحه دار و ملت شیعه را مزارار ساخت . **انا لله وانا الیه راجعون**

تظاهرات دینی دامنه دار علیه این اقدام که اعانت باسلام محسوب است یکبار دیگر تصدیقات خلاف شرع هشت حاکمه را از نظر ملت مسلمان ایران لغو و محکوم کرد .

جای بسی تأسف است که دستگاہی که خود را مسئول حفظ امنیت معرفی مینماید باین اقدامات که نتیجه آن اضطراب عمومی و بروز حوادث خونین است مبادرت کند و علاوه بر آنکه پشترای مراجع مسلمین توجه نکرده . علمای اعلام را بدو انشت با مطالبی که مکرر مخالفت آرا با احکام شرع مقدس اعلام داشته اند متهم نماید .

مساور امور مطمئن باشند که اگر بیاز داشتند دست جمع علماء و مراجع هم اقدام کنند فتاوی و احکام آنان حدیثان نافذ و بر هر مسلمان واجب الاتباع است . و جریح احکام شرعیه مقامی نیست که بتوان با زور و ایجاد معیبه ارباب در آن نفوذ کرد .

حضور تکراری شدید خود را از آثار سوء اقدامات هشت حاکمه و تشدید این تصدیقات و اتلاف نفوس مردم بیگناه اظهار و تذکره بدهم تسکین ملت شیعه ایران که از دین و مذهب خود دست بردار نیست بر سپاه کشتار و ایجاد معیبه ارباب حاصل نخواهد شد .

فلا تحسبن الله مَخْلُفَ وَعَدَهُ رَسَلَهُ

۱۳ محرم ۱۳۸۳

محمد رضا الموی الکابایگانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا انالله وانا الیه راجعون

مردم مسلمان نیور و پادشاهات ایران و جهان ، بدانید که یکی از آیات عظام و مجاهدین بزرگ عالم اسلامی را دستگاہ چهار از تاریکی شب استفادہ کردہ و ایقان را از خانہ خود نقلتاً بیرون و بجای نا معلومی برده است. وقاحت و بی شرمی و جسارت دولت بجائی رسیده کہ بر ارجع وقت حملہ میکند خدا گواہ است کہ با این وضع و التفرات زندگی در این مملکت برای ما گوارا نتواند بود . ملت شرافتمند ما را از حرارت شامهالانت خود ما را از بیثباتی مراجع عظام در پی داشته باشد.

ما بدین وسیلہ (هل من ناصر ينصرنا) گفته و تا آخرین لحثہ استقامت خواهیم ورزید خون ما رنگین تر از خون برادر عزیزمان حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی نیست و ما را ندیدکہ ایضاً ما صحیح و سالم بدست ما ندعند دست از اقدام بر نمیداریم و تا آخرین قطره خون خود از حریم اسلام و قرآن دفاع خواهیم کرد و چنانچہ در سخن مطہر حضرت معصومہ (ع) ما من مسلمین بدموم ملت و خطبات مخالفہ عرض کردم کہ اگر يك مو از سر عزیزمان کم شود دست با اقدامات دامنه داری زده و انداء الله تعالی نخواہیم گذاشت. موش از سرشان کم شود حقیر و عموم علماء اعلام و قاطبہ مسلمین جہان در تعقیب این موضوع جداً اقدام خواهیم کرد

انالله وانا الیه راجعون

۱۲ محرم الحرام ۱۳۸۳

شیاب الدین الحسینی المرعشی النجفی





دار اثر پوش سلطانه مأمورین دولت ناسپ بحسن معین و جرم گریه حضرت آیات نظام آقای عینی و آقای قسری آقای محلائی دام ظله الهالی و قریح از علماء و هیات ارجسته تهران و سایر بلاد و زده و مورد عین و کشتار مردم بی گناه و مردمان تنگراف زبیر از طرف حضرت آیة الله العظمی آقای آقا میر محمد حکیم از نصف اشرف معابر گردیده است

ترجمه متن تنگراف حضرت

آیه الله العظمی آقای میر محمد حکیم

مع الله المسلمون بقول بقائه الشريف

خیر حوادث خونین ایران که هنوز دروغهای ستمیست حوادث گذشته نزدیک باقی است بنا بر دیده عقین دارم اسرار مستورین امور بر سر تا به امروز از سیاست قلع و قمع سراز نهیل و تعقیب که سیاست عدده و مکر است بزودی برود از حضور آقایان آنها نسبت با دار نامردمک بر میماند و قنایان بر تمام مرد مظالم و جورها عولمه شد باید از این سیاست عدده و مکر هر امنده که حتماً آنها را بزرگوار ستود و چهار میناید (ولا یحق المکر السی الا باهل) یعنی دشمن بدون دشمن شجاع و مکر نه رش باید بخودش آمرد و این نقرت و استتار شد ما ما بمشورین آمرد از این نحو دول و رفتار با عموم مؤمن و محسوس طوئه روحانین ابلاغ نمایند (ولا تحسین الله لانا ما میل الفالسون)

محمد الطباطبائی الحکیم

طهران - آیة الله العظمی و امت برکاته

تلفاتاً نیا الاحداث العاصیه فی ایران التي لازالت تعاني الالم الجراح من احداثها التي تجدوا اعتقاداً اسرار المسئولین علی اتباع سياسة القمع و الارهاب فی فترات متلاحقة سيكتف عن فتلهم فی ادارة الامة . و يتوهم بالصبر المحتوم (ولا یحق المکر السیه الا باهل) تأمل ابلاغ المسئولین استنکارنا الشدید بموقفهم هذا تجاه المؤمن عسامة والطبقة الروحیه خاصة (ولا تحسین الله لانا لاسما بعمل الفالسون)

محمد الطباطبائی الحکیم



اختیاری مستر ساریه

۱۳۹۷/۲/۲۱

طن نگراف، سید عبدالله شیرازی، معلم تکیه اشرف و امیراجامع
 نقیبه باشق زبیرالسلطان مبارک میگردد :
 * بنام مسلمانان و دیانت طبعیه تکیه اشرف اراک سال جنابانگاره این که طاعت
 تسبیح را بران محفل میآورد از قبل قتل و سربوه با دشمن مردم و بازداشت و ...
 زندانی کردن مراجع نقیبه و فرستادن آنها به اردگان همدان نامی شد پس
 آنها را تفریب و بازسلطان در نظام همدان میخوانیم برای آنکه به سرداران
 خود در ایران شام کرده و آنها را از جنگ استعمارناظرگرات در هند ،
 مسلمانان در نظام همدان بدانند که همه افراد از این عهدیان شامی که
 امروزه سید جنابانگاران در ایران ریخته میشود مشمول میباشند شامیان
 و همه مشغول رهنمایانیم هدف اساسی آزاد کردن بندهایان مذکور
 و افراد ملت است. هر که علیه از کرده و مشکاران لاف است.

سید عبدالله شیرازی

تاریخ: ۱۳۹۷/۲/۲۱
 امضاء: سید عبدالله شیرازی
 مهر: سید عبدالله شیرازی
 ۴۴۴

من تلگراف حضرت آیت الله آقای حاج میرزا عبدالله مجتهد

طهرانی مراجع تقلید و علماء بزرگ اسلام در باره حوادث اخیر ایران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حاج میرزا علی که منتقب بنام تلگراف حضرت آیت الله عبادلی گردید انقلاب و همچنان عیوسی بوجود آورد مأمورین دولت با کمال بی رحمی در مقابل انصافیت مذهبی و سیاسی مردم حمله مسلحانه نمود و تلفات بسیاری وارد آورد. وجه کثیری از علماء عالیقدر و حفاظ درجه اول و دومین دستگیر و در مرکز و شهرستانها روحانیت با وضع داعی و تحریری در سر میرزا عبدالله و آیت الله راجسون این جامعه علمی در حضور عالی و سایر اعلام و مجتهدی طهرانی و دومین نسبت برض نبوده و از پیشگاه مقدس پروردگار مسئلت دانند که برای تسخیر قلب مقدس امام زمان عجل الله فرجه الشریف دست احباب و عیال پدیدگان را از حیرت نزع کوتاه و توفیق دستگیری نماید فرماید اللّٰهُ اعْلَمُ بِمَنْ یَنْصُرُ لَدُنْکَ

الاحقر عبدالله بن مسیح الطهرانی

ص ۱۹ محرم

صورت اسامی مراجع و علماء که تلگراف جهت آنها ارسال شده است

نوع	حضرت آیت الله الطهرانی آقای حکیم	دانش برکات
۱	۱	۱
۲	۲	۲
۳	۳	۳
۴	۴	۴
۵	۵	۵
۶	۶	۶
۷	۷	۷
۸	۸	۸
۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵
۱۶	۱۶	۱۶
۱۷	۱۷	۱۷
۱۸	۱۸	۱۸
۱۹	۱۹	۱۹
۲۰	۲۰	۲۰
۲۱	۲۱	۲۱
۲۲	۲۲	۲۲
۲۳	۲۳	۲۳
۲۴	۲۴	۲۴
۲۵	۲۵	۲۵
۲۶	۲۶	۲۶
۲۷	۲۷	۲۷
۲۸	۲۸	۲۸
۲۹	۲۹	۲۹
۳۰	۳۰	۳۰
۳۱	۳۱	۳۱
۳۲	۳۲	۳۲
۳۳	۳۳	۳۳
۳۴	۳۴	۳۴
۳۵	۳۵	۳۵
۳۶	۳۶	۳۶
۳۷	۳۷	۳۷
۳۸	۳۸	۳۸
۳۹	۳۹	۳۹
۴۰	۴۰	۴۰
۴۱	۴۱	۴۱
۴۲	۴۲	۴۲
۴۳	۴۳	۴۳
۴۴	۴۴	۴۴
۴۵	۴۵	۴۵
۴۶	۴۶	۴۶
۴۷	۴۷	۴۷
۴۸	۴۸	۴۸
۴۹	۴۹	۴۹
۵۰	۵۰	۵۰
۵۱	۵۱	۵۱
۵۲	۵۲	۵۲
۵۳	۵۳	۵۳
۵۴	۵۴	۵۴
۵۵	۵۵	۵۵
۵۶	۵۶	۵۶
۵۷	۵۷	۵۷
۵۸	۵۸	۵۸
۵۹	۵۹	۵۹
۶۰	۶۰	۶۰
۶۱	۶۱	۶۱
۶۲	۶۲	۶۲
۶۳	۶۳	۶۳
۶۴	۶۴	۶۴
۶۵	۶۵	۶۵
۶۶	۶۶	۶۶
۶۷	۶۷	۶۷
۶۸	۶۸	۶۸
۶۹	۶۹	۶۹
۷۰	۷۰	۷۰
۷۱	۷۱	۷۱
۷۲	۷۲	۷۲
۷۳	۷۳	۷۳
۷۴	۷۴	۷۴
۷۵	۷۵	۷۵
۷۶	۷۶	۷۶
۷۷	۷۷	۷۷
۷۸	۷۸	۷۸
۷۹	۷۹	۷۹
۸۰	۸۰	۸۰
۸۱	۸۱	۸۱
۸۲	۸۲	۸۲
۸۳	۸۳	۸۳
۸۴	۸۴	۸۴
۸۵	۸۵	۸۵
۸۶	۸۶	۸۶
۸۷	۸۷	۸۷
۸۸	۸۸	۸۸
۸۹	۸۹	۸۹
۹۰	۹۰	۹۰
۹۱	۹۱	۹۱
۹۲	۹۲	۹۲
۹۳	۹۳	۹۳
۹۴	۹۴	۹۴
۹۵	۹۵	۹۵
۹۶	۹۶	۹۶
۹۷	۹۷	۹۷
۹۸	۹۸	۹۸
۹۹	۹۹	۹۹
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

کویت حضرت آیت الله آقای حاج میرزا علی در دست برکات
 بمبایک حضرت محمدتعالی آقا میرزا حسینعلی آقا میرزا علی در دست برکات
 حیدر حضرت محمدتعالی آقا میرزا علی در دست برکات
 کربلا حضرت محمدتعالی آقا میرزا علی در دست برکات
 همدان حضرت آیت الله آقای آخوند گلانی در دست برکات
 همدان حضرت آیت الله آقای بنی‌القدر در دست برکات
 کرمان حضرت محمدتعالی آقا میرزا علی در دست برکات
 قم حضرت آیت الله آقای شریعتدار در دست برکات
 قم حضرت آیت الله آقای گلپایگانی در دست برکات
 قم حضرت آیت الله آقای حاج میرزا محمد زنجانی در دست برکات
 قم حضرت آیت الله آقای حاج میرزا دانش آملی در دست برکات
 قم حضرت آیت الله آقای آقا مرتضی حائری در دست برکات
 قم حضرت محمدتعالی آقا میرزا حسینعلی در دست برکات
 قم حضرت محمدتعالی آقا میرزا حسینعلی در دست برکات
 گرگان حضرت محمدتعالی آقا میرزا حسینعلی در دست برکات
 رزن حضرت آیت الله آقای میرزا محمد خدابنده در دست برکات
 زاهد حضرت آیت الله آقای میرزا حسینعلی در دست برکات
 تبریز حضرت محمدتعالی آقا میرزا حسینعلی در دست برکات
 تبریز حضرت محمدتعالی آقا میرزا حسینعلی در دست برکات
 تبریز حضرت محمدتعالی آقا میرزا حسینعلی در دست برکات
 زنجان حضرت محمدتعالی آقا میرزا حسینعلی در دست برکات
 و در هر یک از اینها


۱۰۰۰ تلگراف ارسال میشود. با صورت ارسال گردید

گزارش اطلاعات ۱۵-۱

شماره _____	موضوع: شایعات ۱۰ خرداد
تاریخ حادثه _____	محل: شهران
تاریخ وصول خبر: ۱۳۹۷/۴/۲۶	حالت پنداره: _____
تاریخ گزارش: ۱۳۹۷/۴/۲۶	منبع خبر: ستاد مرکزی اورشطاران
تاریخ: _____	تقریباً: _____

بازار اطلاع رسیده در مسجد قریه و صفار در شبها و جمعه مجلس سوگاری ترتیب داده میشود و پس از خانه و محل قریه نیم ساعت افراد شرکت کنند و برای آثار خیریه در حساب من نمایند که مشارکتی بود برای آن آزاد شود.

افراد شرکت کننده در مجلس سوگاری اکثریت مخالف دولت وقت بود و بر علیه مقامات عالیه و پستهای سیاسی نمود و استان روزه ۱۰ خرداد ماه را از شرکت دولت جدا کنند.


 ۱۳۹۷/۴/۲۶
 در صورت تفریح بدین گونه ادامه پذیرد
 ۱۳۹۷/۴/۲۶
 ۱۳۹۷/۴/۲۶
 ۱۳۹۷/۴/۲۶

تعداد نسخه: ۱
سازگ: شهران
گیرندگان: _____

۱۳۹۷/۴/۲۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایستاد محبب‌اله شهبازی - مله ملو با یک کوزه مره سرخی که لا و هزار نفر
آنها معلم علی ایستاده اند برای بیماری روحانیون و مراجع تقلید مخصوصا
حسرت آیت‌الله خمینی دامت برکاتهم از هیچ‌گونه خدمت و ششمانی و جانها از
دریغ نخواهم داشت و تا آخرین قطره خون خود را برای بیماری درخت اسلام
و احکام قرآن خواهم ریخت *

جان... بماند که فدای قدم دوست گتم

این مثلثی است که هر یک سر و پایی دارد

قدوس اسلام و روحانیین و آیت‌الله خمینی - محبب‌اله شهبازی



دانشجویان ایران، مقیم اسلامی :

اسلامبول، غیرگزاری فرانسه، یازدهم ژوئن « در حدود ۲۰
 تن از دانشجویان ایرانی دانشگاه اسلامی امروزه در آنکسولگری ایران
 در اسلامبول تظاهرات می‌کنند. دانشجویان شعارهایی با خود حمل
 می‌کنند که بر روی آنها نوشته شده بود: «ما شاه را نمی‌خواهیم، حوادث -
 اخیر ایران علیه رژیم استبدادی این کشور انجام می‌گیرد» دانشجویان شعار
 های خود را در محل عمارت کنسولگری ایران بزمین گذاردند و سپس پراکنده

شدند.

۰۰۰

استقرار در جنبه‌های قانونی هدف جنبه ملی ایران است

نامه جناب آقای دکتر سیدعلی شایگان رئیس شورای عالی جنبه ملی ایرانیان امریکابه دبیر کل ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد

نظر باینکه در امر شمال مورخ دوم آوریل ۱۹۵۳ (۲۱ فروردین ۱۳۳۲) کنفرانسیون دانشمندان ایران با کمیسیون حقوق بشر ملل متحد برخی اقتضات قانونی بسیار وقت‌ناچار ایران با اطلاع آن کمیسیون در پیوند با موضوعات و مسائل ویرانه‌های این سرزمین نسبت به ادعای سرین حقوق بشر مانند معون بودن از توفیق و بازداشت خودسرانه و حق مسلم افراد توفیق شده که فوراً باید از طریق توفیق و انبساطات منصفانه مطلع شوند و حق مسلم افراد توفیق شده و بازداشت شده که فوراً باید از تضرر قلم حاضر شده و در برابر منصفانه و عادلانه محاکمه گردند یا با حکام محاکمه آرازا شوند. قانون اساسی ایران کلیه این حقوق را تضمین کرده است.

نظر باینکه کمیسیون از توفیق و بازداشت خودسرانه و خودکامه صدمه ایرانی برجسته از جنبه تمام سران جنبه ملی و دهرمان معزوم روحانی و اهلخان و انگار و وزیران سابق و معزای سابق و دانشمندان و استادان که بر جای مانده و دوم و یادهم نام قانون اساسی ایران که میگوید:

«مصل ۱۰ - هیچ کس را نمی‌تواند فوراً دستگیر نمود مگر بشکلی که در این حکم مذکور در این قانون و در آن صورت نیز باید نگاه نظر فوراً یا معیار ظرف ۲۴ ساعت با اطلاع و شمارش در «مصل ۱۱» - هیچکس را نمیتوان از محکمه‌ای که باید در برابر او حکم صادر کند معزوم کرد مگر در مواردی که در این قانون و در این حکم مذکور است.»

نظر باینکه با وجود آن عرضهای پیش از این مآه گذشته است - چون آنکه تمام این بازداشت‌ها با آنان اطلاع خود - امری آسان چیزی جز امتناع و انکار به حقوق اساسی بشر بوده است و - خصیصه انسانی نیست -

نظر باینکه دهرمان روحانی که چنین تجاوزات متوسل بر او است - وقت فرود توفیق قابل تحمل است و آنگاه که بر با اصول انسانی و انسانی است و در مقابل تمام قانون اساسی ایران توفیق و بازداشت نمودند.

نظر باینکه ملکی ایران که در وقت توسط حکومت سرزمین و قلم عثمانی گریخته از نمایران مذهب و نسبت به حقوقی که قانون اساسی برایش تضمین کرده است آگاه بوده و متوجه مامورت غیر قانونی حکومت فرنگی که در مقابلت در مقابلت معاشین و معزومین شده است.

نظر باینکه در وضع مسئله ملی عویشان ما به دسترس به نمایندگی و از آنکه خود آرزوهای انتخاب کرده باشند و نه راضی به فوه قضایی که بتوانند نمایان خود را علیه اشخاصی بی برده‌های نسبت به حقوق لایستک اساسی خود به پیشکش برند.

نظر باینکه باید در نظر گرفتن مراتب فوق تنها زمانی که برای ملت ایران باقی مانده که توسط آن بتواند استقلال و آزادی خود را نسبت به حکومت خود گامه شاه ایران دارد در چهار دیوار نهضت عالی دانشجویی و میان اجتماعات و مردم علمی است.

با در نظر گرفتن مراتب فوق در نتیجه از ۱۹۵۳ (۱۳ خرداد) سخن‌گزارش خیرگزارهای آموخته پرس و بر پایه پرس اینترنشنال ۱ پاینده تا بیست هزار نفر ایرانی بطور مسالمت آمیز سخن‌گزاران مراسم علمی به منظور و اهداف ماموریت حکومت چاپ راه برای اکثر جهان‌های دهرمان نظهرانی کردند -

حکومت بی رحمانه در پی دستور توفیق معزومین و دهرمان روحانی منصف حضرت آیت‌الله عینی را مأمور کرده دستور سرکوبی بی رحمانه در پی راه که بطور مسالمت آمیز برای کارهای اطلاع می‌گردد صادر کرده در نتیجه روزگاری ۱۵۰۰ نفر را در ۱۵ خرداد ۱۳۳۲ پیش از دست‌گیری و هزار نفر به دست معزوم و بیشتر هزار نفر توفیق شده (این افراد بر اساس اولین گزارش خیرگزارها بخارج می‌باشند که کمتر از تعداد واقعی است - جزو (میس روز ششم لندن ۱۶ خرداد) شاه فرمای صادر کرده که فقط می‌توانست از جانب یک مرد باقیه حس مسئولیت ناشی شود و آن دستور استعزای بر آن کشور - بود که در مورد حرکتی حتماً حکومت وی را مورد اطلاع قرار میداد یا در یکی از نظهرات مسالمت آمیز عمومی شرکت می‌کرد ایضا می‌شد.

۱۳۲۸

با این عمل وی بیکار دیگر مامیت اعمال حکومت نمود و آنکه در پشت یک صحنه با اصطلاح اطلاعات اقتصادی و اجتماعی معنی است. این جمله باعث . بر اثر اجرای این فرمان خطایات کارخانه در صنعت لوبکام و ملی ایلجه لایزگان - صحنه تحرکات و پیش از ۱۵۰۰ نفر بکلین معروف شده است.
ملازمه هزار نفر دیگر از افراد بی کلاه روزی شش روزی ۱۹۳۱ خرداد از روزگاری که در آن روزها به نام «کتابخانه» نامیده می شد به نام «کتابخانه» و توفیقهای مردمی در ایران روزهای صبح و عصر و نیم روزی ۱۲ تا ۱۹ خرداد ادامه یافته است.
مفتوح بر اهمیت جلوگیری نمودن این تظاهرات عمومی علیه حکومت سرانجام و ظلم خود شاه بیکار دیگر ملازمه بوده که اکثر عمومی را بفتح خود منحرف و معنی شود که این تظاهرات برای مخالفت با سیاست با اصطلاح اطلاعاتی در میانه و همچنین علیه حقوق سیاسی با ایران انجام شده است.

ماهیت ساختگی چنین ادعاهایی در اعلامیه مورخ ۱۱ ژوئن ۱۹۳۳ (۲۲ خرداد) رهبر منحرف و روحانی حضرت آیت الله شریعتی شکران داده شده است. در این اعلامیه ملاحظه می شود که غیرگزاری فراموشگرازی داده و فوکیس آن نیز ارسال میشود آیت الله شریعتی ضمن مطالب مختلف اعلام می فرماید که «رهبران روحانی شبه باهر نوع اطلاعات لازم موافق هستند با طرز و شیوه در این اعلامیه اشاره شده است که این تظاهرات هیچ عنوان مخالفت با اصلاحات ارزش و آزادی زبان یا هر نوع اصلاحات اجتماعی و اقتصادی که برای کشور ایران بخواهند انجام دهند نیستند»
پس استدعا داریم که از طرف مردم بی سلاح و بی گناه ایران که بر اثر فرمان «تیراندازی برای کشتن» شاه و مخالفان کلی حکومت زندگانی آنان بخش انداخته است و از نفوذ مقام خود منتهای احتیاط را نموده و برای حصول خواسته های خود بکلی اقدام فرمائید.

- ۱ - التذات فرمان «تیراندازی برای کشتن»
- ۲ - آزادی تمام سران جبهه ملی و دانشجویان و کسانی که بطور غیر قانونی پنج ماه است بدون آنکه از اتهامات متنبه معظّم گردند و با اینکه محاکمه شوند توقیف و بازداشت شده اند.
- ۳ - آزادی رهبران جبهه ملی و روحانیان که در زندان و بازداشتگاههای نظامی و امنیتی محکومین «تظاهرات» با نام امام در زندانند
- ۴ - آزادی رهبران مردم بی گناهی که بر اثر تظاهرات عمومی چند روز اخیر توقیف شده اند.
- ۵ - استقرار حکومت قانون با اجرای جدی حقوق اساسی و اصول مربوط به تفکات نوا.
- ۶ - انجام انتخابات آزاد که دو سال است به تعویق انداخته در محیطی خالی از تهدید و اغتشاش و اجساد مفتوح اساسی افراد و دستجات و صندوق انتخابات مازنی.

با تقدیر احترامات - دکتر سید علی شایگان
وزیر سابق فرهنگ - رئیس سابق دانشگاه حقوق دانشگاه تهران
نیواسکول در نیویورک - نماینده جبهه ملی ایران در خارج

۱۳۲۸
کتابخانه



رساله‌ای ناشناخته در تبیین شیوه‌های نفوذ استعمار انگلستان در کشورهای اسلامی

محمد حسن رجبی

رساله‌ای که فراروی خوانندگان گرامی قرار دارد رساله کوچک و کم‌نظیر، بلکه بی‌نظیری از سید صدرالدین صدر در شیوه‌های نفوذ استعمار انگلیس در سرزمین‌های اسلامی است که در شهر نجف اشرف نوشته شده و در روزنامه فارسی زبان شمس که به مدیریت سید حسن شمس در اسلامبول منتشر می‌شد، به تاریخ ۶ صفر ۱۳۲۹ق (۱۶ بهمن ۱۲۸۹ش) در شماره ۱۰، سال سوم آن روزنامه (البته هفته‌نامه) انتشار یافته است.

نویسنده مقاله از خاندان مشهور علمی صدر و فرزند سید اسماعیل صدر، از مراجع معروف شیعه عتبات عالیات و از شاگردان میرزای شیرازی است که پس از رحلت میرزا، از سامرا به کربلا مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تعلیم پرداخت و حوزه علمیه مهمی را در آن شهر مقدس تشکیل داد. وی شاگردان مبرزی تربیت نمود که از جمله آنها می‌توان به میرزای نائینی، سید شرف‌الدین عاملی و حاج سید حسین فشارکی اشاره کرد.

فرزند او سید محمدعلی، ملقب به صدرالدین در سال ۱۲۹۹ق در کاظمین به دنیا آمد. پس از گذراندن دروس مقدمات و سطح، در درس خارج پدر و آیات عظام: آخوند خراسانی



و سید کاظم طباطبایی یزدی حاضر شد و از آنان اجازه اجتهاد دریافت کرد. در جریان انقلاب مشروطیت، وی به تأسی از استادان خود؛ آخوند خراسانی و پدرش شرکت فعالی داشت و با نگارش نامه‌هایی به رجال کشور و مقالاتی در جراید فارسی زبان در ایران و هند و عثمانی، به افشای دسایس استعمار انگلستان در سرزمین‌های اسلامی پرداخت و مسلمانان را به کنار گذاردن اختلافات داخلی و اتحاد کلمه در حفظ استقلال سرزمین‌های اسلامی و دفع نفوذ سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی استعمار دعوت کرد. او در آن زمان بیش از سی سال نداشت و سال بعد در مهاجرت اعتراض آمیز مراجع، علما، فضلا و روحانیون عتبات عالیات علیه سیاست استعماری انگلیس در عراق در جریان قیومیت عراق پس از سقوط امپراتوری عثمانی، به کاظمین به قصد حرکت به سمت ایران که بعد از رحلت آخوند خراسانی صورت گرفت، شرکت داشت. همچنین مواضع ضد صهیونیستی آشکاری اتخاذ کرد و از منادیان «تقریب مذاهب اسلامی» به شمار می‌رفت.

وی در سال ۱۳۳۱ق به دلیل شرایط سختی که استعمار انگلیس در عراق علیه علمای شیعه ایجاد کرد به ایران مهاجرت نمود و در شهر مقدس مشهد سکنی گزید. در سال ۱۳۳۷ق بار دیگر به عراق بازگشت تا از پدرش که سخت بیمار شده بود پرستاری کند. بعد از فوت پدر، در سال ۱۳۳۸ق یا سال پس از آن، بار دیگر به ایران بازگشت و در مشهد مقدس سکونت کرد و به تدریس و اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت. در سال ۱۳۴۴ق مجدداً به نجف بازگشت و به مدت دو سال ملازم دروس فقه و اصول میرزای نائینی بود. سپس به کشور بازگشت و به خواهش آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری دو سال در حوزه جدیدالتأسیس قم تدریس کرد و در ۱۳۴۸ یا ۱۳۴۹ق بار دیگر به مشهد مقدس رفت و به تدریس و اقامه جماعت در مسجد گوهرشاد پرداخت. مجلس درس خارج فقه و اصول او از مهمترین مجالس درسی حوزه مشهد به شمار می‌رفت.

وی سپس به قم مراجعت کرد و تارحلت آیت‌الله حائری (۱۳۱۵ق) در حوزه علمیه قم به تدریس و تألیف و تصنیف و اقامه جماعت اشتغال داشت. بعد از رحلت آیت‌الله حائری وی همراه با آیات عظام سید محمد حجت کوه‌کمری و سید محمد تقی خوانساری (که به مراجع ثلاث معروف‌اند) حوزه علمیه قم را اداره کردند. صدر از جمله کسانی بود که از آیت‌الله بروجردی جهت ترک بروجرد و اقامت در قم دعوت به عمل آورد و پس از پذیرش ایشان و مهاجرت به قم در سال ۱۳۲۳ش، آن سه نفر ریاست و اداره حوزه را به ایشان تفویض کردند و آیت‌الله صدر نیز اقامه جماعتش را در صحن بزرگ حضرت معصومه (س) به آیت‌الله بروجردی واگذار کرد.

سرانجام پس از عمری تلاش خستگی ناپذیر، آیت‌الله صدر در ۵ آذر ۱۳۳۲ در شهر قم رحلت نمود و آیت‌الله بروجردی بر پیکرش نماز خواند و در کنار آرامگاه آیت‌الله حائری در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

مدرس تبریزی که خود از عالمان، ادیبان و تراجم‌نگاران معروف زمان خود به شمار می‌رفت و از نزدیک او را می‌شناخته، شرح حالش را در کتاب معروف خود، *ریحانه‌الادب*، به اختصار تمام نوشته، و پیرامون مقام علمی و اخلاقی او می‌نویسد:

... حاوی لوای علم و ادب، جامع شرافت حسب و فضیلت نسب...
 حاوی فروغ و اصول، و فقیهی است اصولی، محدث رجالی، محقق مدقق، عمیق‌النظر، دقیق‌الفکر، و ادیب اریب، شاعر ماهر که در تمامی علوم عربیه و فنون شعریه و ادبیه دستی توانا و یدی بیضا داشته و از اکابر علما و مراجع و زعمای عصر حاضر ما می‌باشد، بالخصوص در مکارم اخلاق، طاق به اجداد طاهرین خود، وارث بالاستحقاق، دارای کمالات نفسانیه و معنویه بوده و گوی سبقت از دیگران ربوده است.^۱

وی کتاب‌های زیادی در فقه، اصول، رجال و ادبیات به زبان‌های فارسی و عربی نوشت و دیوان شعری نیز از وی به جا مانده است. سید صدرالدین صدر، رساله حاضر را در زمان حیات آخوند خراسانی و حدود یک سال قبل از رحلت او به رشته تحریر در آورده که نشان‌دهنده اشرف و اطلاع کامل وی به همه وجوه سیاسی، نظامی، اقتصادی، و فرهنگی استعمار انگلستان و نقشه راه آن کشور در سرزمین‌های اسلامی است.

این رساله پس از گذشت یکصد و ده سال از زمان انتشار در روزنامه شمس، برای نخستین بار است که با توضیحات لازم انتشار می‌یابد.

۱. میرزا محمدعلی مدرس تبریزی، *ریحانه‌الادب*، خیام، ۱۳۶۹، ج. ۳، ص. ۴۲۹-۴۲۷.



انگلیس در مستعمرات

نگارنده: سید صدرالدین صدر

موضوع: شیوه‌های سیاست استعماری انگلستان

تاریخ: ۶ صفر ۱۳۲۹ق/ ۱۶ بهمن ۱۲۸۹ش

دولت بریتانیا که امروزه اولین دول عالم است در کثرت مستعمرات، آخرین دول اروپا بود در استعمار، و بعد از پرتغال^۱ و اسپانیا و هولندا و فرانسه، قدم حزم در این میدان نهاد و از زمان وزیر دانشمند مستر ولیم بت^۲ روز به روز مستعمرات او در قطعات پنج‌گانه زمین رو به زیادی گذاشت و خود را به «سلطان بحر» در تمام عالم معروف نمود. اغراض دول در استعمار و استملاک^۳ زیاد و طریق پیشرفت مقاصد ایشان مختلف و فعلاً در صد بیان این نیستیم، فقط عرض بیان، سیاست انگلیس است در مستعمرات که به برکت آن تا به حال از قبضه تصرف او بیرون نرفته و به این زودی‌ها هم نخواهد رفت. بلی، دولتی که بر امور دهگانه ذیل رفتار نماید و سیاست خود را در این امور قرار دهد، به بقای مستعمرات خود کامیاب خواهد شد:

اول، جلب ارباب نفوذ. چون طبقه سُفلی^۴ از مردم، حقوق خود را نمی‌داند، پیوسته در تحت نفوذ طبقه عُلیا^۵ و سلطه بزرگان می‌باشند. چنان خیال می‌کند که اسیری خود و امارت^۶ ارباب نفوذ، خلقی و طبیعی است که قابل رفع و دفع نیست (همه بندگان اند خسر و پرست) و لازمه^۷ این حال، میلشان است یا به طرفی که صاحبان نفوذ میل می‌کنند و عدم تخطی از اوامر و نواهی آنها این شقاقلوس^۸ ترقی و سم قاتل مدنیت در ملل جاهل موجود، و انگلیس این را به خوبی فهمیده، حقیقت امر را به دست آورده که به مجرد دخول در یک قُطر^۹ ی و

۱. در اصل: پرتغال

۲. ویلیام بیت (۱۷۰۸-۱۷۷۸)، ملقب به اولین سیاستمدار، خطیب و رئیس دولت انگلستان. او در رزم آرایبی و انتخاب فرماندهان نظامی و دریایی، چنان حسن تشخیص از خود نشان داد که پیروزی‌های درخشان و پی در پی نصیب انگلستان گردید تا جایی که سال ۱۷۵۹ به «سال پیروزی» معروف شد. او با دادن کمک‌های مالی و نظامی به فردریک کبیر، فرانسه را در اروپا مشغول کرد و بدین وسیله دریاهای تحت فرمان بریتانیا در آورد و فرانسه را از کانادا و هند بیرون راند.

۳. تصرف کردن

۴. پایین‌تر (مؤنث اسفل)

۵. بالاتر (مؤنث اعلی)

۶. فرمانروایی

۷. در اصل: لازم

۸. شقاقلوس یا قانقاریا (اصطلاحی یونانی)، فساد و مرگ هر یک از بافت‌های بدن بر اثر قطع خون‌رسانی به عضو، و به دنبال آن، تهاجم و عفونت باکتری‌ها.

۹. ناحیه، منطقه

احتلال^۱ یک مصر^۲، قلوب ارباب نفوذ و دل‌های صاحبان سلطه مطلقه را به جانب خویش جلب می‌کند به هر طریقی که ممکن شود. و انسان بالطبع و الخلقه طماع [است]، اگر صاحب وجدان و حس شریفی نباشد.

طبقه علیا که هزار یک ملت نمی‌شود و صاحب نفوذ است، اگر به طرف انگلیس میل کرد، سایر طبقات که از جایی خبر ندارند، خواهی نخواهی میل خواهند کرد. بعد از چندی قلوب عامه مردم به طرف انگلیس متوجه می‌گردد و تابع بزرگان خود در مداحی و ثناخوانی دولت انگلیس خواهند شد، و بالفرض دولت غیر از این غرضی ندارد.

دوم، اعانت زارعین و ارباب صنایع. ملل جاهل و اقوام نادان غالباً نظرشان قاصر است و جز فعلیات را طالب نیستند و غیر از خوراک و پوشاک، فکری ندارند و بزرگترین دردی را که تصور می‌کنند، همانا درد شکم است. اگر شکمشان سیر شد و پوشاکشان نرم و لطیف گشت قدم به تمام حقوق اجتماعیشان می‌زنند؛ چه، غیر از خوراک و پوشاک، حقوقی را نمی‌دانند. و معلوم است که هر چه وسائل تحصیل^۳ این امر مهم بیشتر شود، فراوان‌تر و ارزان‌تر می‌شود و طریق رسیدن به این وسایل، تحسین^۴ حال صنّاعین^۵ و زارعین است که هر چه حال ایشان سعه^۶ پیدا کند و مالشان زیاد شود و آلات و ادوات امور مذکور فراوان‌تر گردد، خوراک و پوشاک زیاد و فراوان و ارزان می‌شود.

دولت بریتانیا که اولین سیاستدان عالم است، بدین جهت اولین کاری را که در مستعمرات خود می‌کند، تأسیس بانک زراعت و شرکات^۷ تجارت و کارخانه‌های صناعت است. قومی که غیر از نان و لباس دردی ندارند و چیزی را تصور نمی‌کنند، در حال مشاهده این ترتیبات و این ارزانی و فراوانی، چه حالی پیدا خواهد کرد و به چه درجه انگلیس را می‌پرستند (باید از هندی‌ها پرسید!؟) ای کاش منافع این امور، به اهالی برمی‌گشت؛ نه، بلکه تمام به کیسه خود دولت بریتانیا برمی‌گردد و نفع اهالی فقط خوردن و پوشیدن است.

سیم، اشاعه منکرات قوه حیوانیه انسان، اولین دشمن هیئت اجتماعیه است و پیوسته انسان [را] به ارتکاب قبایح و منکرات دعوت می‌کند و جز عقل؛ رادع و مانعی ندارد. و این دو قوه

۱. اشغال کردن، تصرف نمودن

۲. شهر

۳. به دست آوردن

۴. در اینجا به معنی بهبودی

۵. صنعتگران

۶. فراخی، توانایی

۷. واژه مطابق با اصل سند است.





متضاده چون سایر قوا قابل زیاده و نقصان است، اعمال هر یک از این دو قوه در آنچه طالب است سبب نمو و زیادتی آن می‌شود. و بالفرض، قوم جاهل قوه عقلیه ایشان معطل و ابداً در معارف و کمالات که مطلوب اوست اعمال نشده و قدرت مقاومت را با قوه حیوانیه ندارد و لازمه این حال، زیاد و نمو کردن قوه حیوانیه به جهت اعمالش در آنچه مطلوب اوست و ضعف و نقصان قوه عقلیه به جهت ترک و اهمال و عدم اعمالش در آنچه مطلوب اوست، تا به جایی رسد که وجود این چنین شخص، عین شرّ می‌شود و این گونه اشخاص در ملل جاهل، غالب و فراوان است، اگر همه آنها چنین نباشند.

دولت بریتانیا که از طباع^۱ و حیات بشری آگاه است، به مجرد^۲ در قبضه آوردن یک قطعه، تمام سعی و کوشش خود را در نشر قبایح و اشاعه منکرات مبذول می‌دارد و آزادی مطلق را اعلان می‌کند. ملل جاهل که قوای عقلیه ایشان به هضم^۳ رابع رسید^۴ و قوای حیوانیشان چون شیر درنده در کار است، کمال سعادت خود را در این حال می‌دانند و شب و روز مشغول این امور می‌گردند و مفاسد این وضع، حاجت به شرح ندارد بلکه برای ملت جاهل تمامش ضرر و زیان و به جهت بریتانیا تمامش نفع و ربح^۵ است. ملت بیچاره را به این امور مشغول و سرگرم می‌کند و خود مشغول کار خود می‌شود.

چهارم، تعمیر^۶ و آسایش. انسان بالطبع خوشش می‌آید از لباس و خوراک و مسکن خوب و مَر کب و پیوسته در تحصیل این امورات و فراهم آوردن اسباب تعیش و زندگانی کوشش می‌نماید و رنج‌ها و مشقت‌ها در راه تحصیل آسایش خویش می‌کشد و حالتی دارد که اگر دیگری آمد و این امور را برای او ترتیب داد، معلوم است او را پرستش خواهد کرد.

دولت انگلیس در مستعمرات خود که اهالی و ساکنان آن زمین‌ها به غیر از این امور چیزی طالب نیستند، جداً در صدد فراهم آوردن این امور می‌شود: راه‌ها را شوسه می‌کند، گاری‌های آتشی^۷ راه می‌اندازد، مَر کب‌های بخار حرکت می‌دهد، کارخانه‌ها و فابریک‌ها^۸ تأسیس می‌نماید، کوچه‌ها و خانه‌ها را تعمیر می‌کند، چراغ‌ها و الکتریک روشن می‌نماید، قصرها و باغ‌ها و تماشاخانه‌ها ترتیب می‌دهد، و واقعاً این قطعه را از جمیع جهات مانند بهشت

۱. جمع طبع: سرشت‌ها، خوی‌ها

۲. در اصل: تجرد

۳. به هضم رابع رسیدن: از دست رفتن، از میان رفتن

۴. سود

۵. آبادانی

۶. گاری‌های آتشی: اتومبیل

۷. تلفظ ترکی واژه انگلیسی فابریک: کارگاه، کارخانه

می‌نماید. برای چه؟ برای آسایش مردم و نوع پرستی و خیرخواهی که دارد. ولی منافع خود را دون^۱ دیگران می‌برد.

شخص که سابقاً مسکن خود را در یک اطاق سیاه می‌دید، لباس خویش را قطعه کرباس مشاهده می‌کرد، خوراک خود را ارزن و جو می‌دید، مرکب خود را الاغ لنگ مشاهده می‌نمود، راه‌ها را پر از گل و سنگ و چدن می‌دید، اگر این اوضاع حالیه را در اروپا ببیند چه حالی خواهد داشت؟ (از هندیان و مصریان باید پرسید).

پنجم، القای خلاف. اختلاف مابین عناصر و ملل و اقوام مختلفه و ارباب ادیان و صاحبان السنه متباینه^۲ از قدیم الایام بوده و تا آخر خواهد بود، و کم قطعه و شهری است که از این اختلاف سالم باشد، و بسا خون‌ها به جهت این اختلاف ریخته و مال‌ها تلف شده است.

دولت بریتانیا چون اولین پولتیک^۳ دان عالم است، در القای فتنه و فساد، زیاده از حد ماهر و استاد است؛ خاصه اگر زمینه را قابل دید. و چون به خوبی می‌داند که اتفاق و اتحاد اهالی موجب خسران و زیان او خواهد شد، پیوسته در مستعمرات خود فتنه‌انگیزی می‌کند. شیعه را با سنی، شیخی را با بابی، پرتستان را با کاتولیت، هندو را با گبر، بهم می‌اندازد و هر یک را در نظر دیگری مبعوض و دشمن قرار می‌دهد و خود با کمال آرامی و بی‌مانعی مشغول کار می‌شود. تا به حال خیر خواهان هند نتوانسته‌اند که میان شیعه و سنی را اصلاح نمایند، یا مسلمان و هندو را در استقلال خود متفق سازند؛ چرا، به جهت بوتلیکات دیپلوماسی‌های دولت بریتانیا. هندو در صدد استقلال می‌شود، مسلمانان را بر ضد آنها می‌گمارد، سنی با شیعه در تعظیم شعائر خود کوشش می‌کند، یکی را به دیگری می‌اندازد؛ و به عبارت دیگر، اولین سیاست انگلیس در مستعمرات برپا نمودن جنگ خانگی میان اهالی و صاحبان بلاد است.

ششم، منع از معارف. اساس تمام ترقی‌ها و تمدن‌های عالم و رکن رکین استقلال و ثروت و حسن اداره دول و امم و اولین سبب آسایش و استقرار ملل، همانا علم و معارف است. ملت جاهل ابداً ترقی نخواهد نمود و روز به روز بر انحطاط و تَقَهْرُش^۴ افزوده می‌شود، بلکه به سوء اختیار، خود را اسیر و دستگیر دیگران و اغیار خواهد نمود.

ملت جاهل، از حقوق طبیعی و وضعیه [خود] خبر ندارد و شیرینی استقلال و عزت و شوکت را حس نمی‌کند؛ بالعکس ملت با علم و اقوام با معرفت دولت بریتانیا، از تجربیاتی

۱. در اینجا به معنی پایین‌تر، کمتر. در اصل: منافع را خود...

۲. السنه متباینه: زبان‌های متفاوت و مختلف

۳. برابر نهاد فارسی این واژه امروز سیاست است لیکن به معنی تزویر، نیرنگ، فریب و چشم‌بندی هم به کار رفته است.

۴. به فقرا شدن، به عقب رفتن





که در این چندین صد سال عمر نموده، این معنی را به دست آورده و در حفظ جهالت و نادانی اهالی مستعمرات خود کوتاهی نمی کرد و هیچ گاه نشر معارف و علوم در مستملکات خود در خاطر شریفش خطور نکرده، بلکه کوشش‌ها در منع معارف می نماید و اهالی را به چند مدرسه سطحی گول می زند که نتیجه دوستی او، جز فقد^۱ احساسات قومیه و وطنیه برای اهالی ندارد. در تمام هند که سیصد و اندی ملیان نفوس دارد، مدارس رسمی و غیر رسمیش به سیصد نمی رسد؛ چرا، به جهت بقای اهالی بر جهل و نادانی و ندانستن حقوق اجتماعی و مدنیه خویش را.

هفتم، ترسانیدن اهالی. رعب و خوف، اولین سبب اضمحلال و زوال هر قوم و ملیت است. قومی که رعب دیگری در دل هایشان جا گرفت، دیگر توقع عزم و حزم و استقلال از ایشان محال [است]. رعب، بهتر از هزار قوه عسکریه^۲ کار می کند و چنان دل‌های طرف مقابل را می میراند که به حس و حرکت، چون جدار می شود.

دولت انگلیس کهنسال، پیوسته این رشته را در مستعمرات خود پی کرده، به هر طریقی که ممکن شود، رعب خود را در دل‌های ساده لوح جا می دهد. به فرامین سخت و تهدید و توعد^۳ به نمایش‌های عسکری و کشتی‌های زره پوش جنگی به نشر شجاعت و جلادت عنصر انگلیس سکسونی^۴ به ذکر حُرُوب^۵ و جنگ‌های خود که غلبه با وی بود، به جراید و روزنامه‌ها چنان می کند که بیچاره اهالی مستعمرات انگلیس را که می شنوند، به جای خود خشک می شوند و قدرت بر حرکت ندارند و جهلاً چنین خیال می کنند که دولت بریطانیا بر هر چیزی قادر و هیچ چیز او را عاجز نمی کند. برای چه؟ برای آن که مبادا روزی بر علیه او قیام کنند و حقوق خود را بخواهند.

هشتم، فقیر نمودن اهالی. ثروت، اساس هر کاری و اولین وسیله هر اصلاحی است. ملت به استقلال نخواهد موفق شد مگر به اسباب، و این اسباب فراهم نخواهد شد مگر به ثروت پول. پس ثروت، روح هر قوم و ملت است و ملت فقیر چون جسم بی روحی است.

دولت انگلیس در مستعمرات، تمام فکر خود را در فقیر کردن اهالی و نقل^۶ ثروت ایشان به لندن مبذول می دارد و به دسایس و حیَل، تعقیب این رشته را می کند. امتعه کم‌مایه می آورد

۱. گم کردن. در اصل: نتیجه جز دوستی او...

۲. نیروی نظامی

۳. وعده دادن

۴. انگلوساکسونی

۵. جمع حرب: به معنای جنگ

۶. انتقال

به قیمت‌های گزاف می‌فروشد، راه‌های شوسه و گاری‌های آتشی و مرکب‌های بخار درست می‌کند، و پول اهالی را جمع می‌نماید. بانک‌ها و شرکت‌های تجاری تأسیس می‌نماید و ثروت اهالی را می‌گیرد، نوط^۱ و کاغذ دو پولی ترتیب می‌دهد و پول اهالی را در لندن جمع می‌کند. بالأخره اهالی را به هر طوری که هست فقیر و بی‌چیز و جیره‌خور خویش قرار می‌دهد که دارای هیچ ثروتی نباشند. چرا؟ به جهت عدم استعداد^۲ و ذخیره کردن آلات و ادوات ناریه^۳ و عدم استطاعت و قدرت بر خرید و فروش آن.

آیا می‌دانی که چرا هندی‌ها این قدر لاغرند یا نه؟ به جهت آن که دولت بریتانیا چون افعی خون آنها را می‌مکد و جز پوست و استخوانی برای آنها باقی نگذاشته تا کار به جایی رسید که هر ده دوازده خانوار^۴ به یک دیگ قناعت می‌کردند و جبراً و قهراً مردمان قانع شدند. و آیا از این قوم، توقع استقلال توان کرد؟ نمی‌دانم. تا بنگالی‌ها چه بگویند و چه می‌کنند؟ اگر مسلمانان بگذارند.

نهم، سلب قوای ماده. بقای هر ملت و قومی به دو قوه است: ماده و ادبیه^۵ و تا این دو قوه را دارا نباشند حقوق خود را حافظ نتوانند شد.

دولت بریتانیا هر چه توانسته و دانسته تمام قوای ادبیه مستعمرات را سلب کرده، عطف عنان به سوی قوای ماده می‌کند. قشون وطنی را کم از کم از کار می‌اندازد و ضباط^۶ و سرداران را از عسکر خود قرار می‌دهد و ترقی عساکر وطنی را محدود می‌نماید، چنان که در مصر و هند کرد و فعلاً عسکر هندی بیش از یوزباشی^۷ رتبه‌اش ترقی نمی‌کند.

قوه ماده اگر از وطنین بیرون رفت و سلب شد و قشون وطنی از کار افتاد و قشون انگلیس بر سر کار آمد و قوه را به دست خود گرفت، توقع شورش و حقوق‌طلبی از اهالی مستعمرات چگونه باید داشت و به کدام قوه اهالی بیچاره حقوق خود را طلب نمایند؟ خاصه این سرذمه قلیله^۸ که از قشون وطنی باقی می‌ماند، بعد از مدتی احساسات وطن خود را از دست خواهند داد، به برکت معلم و تأثیر استاد و شاگرد طبیعی است.

۱. اسکناس

۲. آمادگی‌های نظامی، نیرو و تجهیزات جنگی

۳. سلاح‌های جنگی و آتشین

۴. دراصل: خانه‌دار

۵. علمی، فرهنگی

۶. جمع ضابط: درجه‌داران ارتش

۷. از درجات نظامی. فرمانده صد نفر سرباز

۸. گروه اندک





دهم، نشر مذهب نیشریه. ^۱ قوام امم و ملل عالم به دین و اعتقاد به عالم غیب، و زوال و فنای بنی آدم و دول، به لامذهبی و ترک دیانت است؛ چنانچه در محل خود مذکور شده و تاریخ به ما نشان می‌دهد و مرحوم فیلسوف شرق اسلامی سید جمال‌الدین همدانی شهیر به افغانی در رساله خود که در بطلان مذهب نیشری تألیف کرده، ^۲ مشروحاً ذکر کرده دولت انگلیس با وجودی که مذهب رسمی او پروتستانی است، در مستعمرات بیرق بی‌دینی و لامذهبی را بلند می‌کند و مردم را به ترک دیانت دعوت می‌نماید. برای چه؟ برای انقراض و زوال عادات و اخلاق و احساسات دینیه و وطنیه ایشان؛ چنانچه در مصر کرده و سید احمدخان ^۳ و شاگردش صنیع‌الله‌خان را به همین جهت ^۴ در هند تأیید نموده و مقربش کرده و مدرسه علیکده ^۵ را که اولین دشمن مطلق دیانت است تأسیس نموده و به جهت نتایج حسنه‌ای که از آن خدمت و این مدرسه عاید انگلیس شد، پیوسته در صدد ترویج و توسعه آن است و هر چندی به عنوان اعانه، لُکوک ^۶ رُویبه جمع می‌نماید. و به طور قطع می‌گوییم که تا مدرسه علیکده موجود و دائر است، توقع خیری از هندی‌ها نباید کرد و به استقلال نخواهد نائل شد.

این است سیاست دولت بریطانیا در مستعمرات خود. و مادامی که بر این امور ده‌گانه محافظت می‌کند، آسوده‌خاطر در بستر استراحت با کمال راحت خواهد خوابید و ابداناً انظار سیاسیه ارباب جراید خاصه شرقیان نخواهد او را متزلزل کرد. فقط چیزی که او را خوب متزلزل می‌کند، رقابت سایر دولت اروپ است و آن هم کم‌کم رفع خواهد شد؛ چه، برای همه ثابت شده که ازدیاد مستعمرات، موجب عدم ترقی اصل مملکت و دولت است. آلمان به این درجه به ترقی و شوکت نرسید مگر به جهت ترک استعمار، به برکت دیپلوماسی اول عالم پرنس بسمارک.

کر بلا: سید صدرالدین ^۷

۱. مذهب نیشریه یا نیچریه: مکتب مادی. آیین یا مکتب فکری که به اصالت ماده یا طبیعت اعتقاد دارد و خدا را انکار می‌کند.

۲. منظور، رساله رد نیچریه است که در پاسخ از نست رنان فیلسوف فرانسوی تألیف کرد. برای اطلاع از نظر رنان و پاسخ سید جمال، رک: حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۸، ص ۱۱۳-۱۰۴ و نیز: سید جمال‌الدین اسدآبادی، نیچریه یا ناتورالیسم، جعفر سبحانی (مقدمه)، سید طیب جزایری (تنظیم و پاورقی)، دارالکتاب، قم، بی‌تا؛ سید جمال‌الدین اسدآبادی، نیچریه: مادیکری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا؛ سید هادی خسروشاهی (به کوشش)، مجموعه رسائل و مقالات سید جمال‌الدین اسدآبادی، تهران، کلبه شروق، ۱۳۷۹.

۳. از نوآندیشان مسلمان هند و مؤسس دانشگاه علیگره بود که برای رفع محرومیت و عقب‌ماندگی مسلمانان هند، سیاست مسالمت با حاکمان انگلیسی هند را همراه با نشر دانش‌های نوین اروپایی در پیش گرفت.

۴. در اصل: جته

۵. علیگره

۶. جمع لک: هر لک معادل صد هزار

۷. [روزنامه] شمس، س ۳، ش ۱۰، مورخ ۶ صفر ۱۳۲۹ ق، ص ۸-۶.

